



لقب «قائم» را چه کسی برای حضرت مهدی (عج) انتخاب کرد؟

آن حضرت از شدت محبت و مرحمتی که به دوستانش دارد، به هر کسی که حضرت را با لقب قائم یاد کند، نگاه محبت آمیز می‌کند.

آن حضرت از شدت محبت و مرحمتی که به دوستانش دارد، به هر کسی که حضرت را با لقب قائم یاد کند، نگاه محبت آمیز می‌کند. خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: «قائم» در لغت اسم فاعل و به معنای قیام کننده است؛ اما این که در اصطلاح یعنی چه و چرا مختص به امام زمان علیه السلام شده، از سؤالاتی است که شیعیان آن را از امامان علیهم السلام پرسیده‌اند.

از ابو حمزه ثمالی نقل شده که وی از امام باقر علیه السلام سؤال کرد: ای فرزند رسول خدا! مگر همه شما امامان، قائم به حق نیستید؟ امام باقر علیه السلام فرمود: آری.

عرض کردم: پس چرا فقط به امام دوازدهم قائم گفته می‌شود؟ فرمود: «قائم» فرشتگان الهی با گریه و ناله به درگاه الهی ضجه نموده، عرض کردند: ای خدا و مولای ما! آیا از کسانی که

برگزیده و فرزند برگزیده تو را به شهادت رساندند می‌گذری، او که بهترین خلق توست؟ خداوند به آنان وحی فرمود: فرشتگان ما! آرام باشید، به عزت و جلال سوگند که حتماً از آنان انتقام خواهم گرفت؛ هر چند مدتی بگذرد.

سپس خداوند امامان از فرزندان امام حسین علیه السلام را برایشان نمایان ساخت و فرشتگان خوشحال شدند. اما دیدند یک نفر از ایشان ایستاده و نماز می‌خواند، خداوند فرمود: به وسیله آن که ایستاده، از آنان انتقام خواهم گرفت (۱).

مرحوم شیخ طوسی در سلسله سند خود نقل می‌کند که ابوسعید خراسانی می‌گوید...

امام صادق علیه السلام فرمود: «قائم» نامیده شده، چون بعد از آن که نامی از وی نیست، به امر عظیمی قیام خواهد کرد (۲).

مرحوم شیخ صدوق نقل می‌کند: یکی از اصحاب امامان علیهم السلام به نام صقر بن دلف می‌گوید: از امام جواد علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: امام بعد از من پسر من علی است و سپس فرزندش حسن امام است. آن گاه سکوت کردند. عرض کردم: سپس چه کسی امام است؟ امام جواد علیه السلام گریه شدیدی کردند و فرمودند:

«پس از حسن، پسرش که قائم به حق و منتظر است، امام خواهد بود. عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! چرا قائم نامیده شده است؟»

فرمود: چون بعد از آن که ذکر و یادش از بین رفته، قیام می‌کند، پس از آن که بسیاری از مردم از امامت او بر می‌گردند.

گفتم: چرا منتظر نامیده شده است؟ فرمود: چون غیبتی خواهد داشت که روزهایش زیاد و مدتش طولانی خواهد شد، لذا افراد مخلص منتظر ظهور اویند؛ اما تردید کنندگان آن را انکار کرده و منکران نیز استهزاء می‌کنند. بسیاری از افراد برای آن وقت گذاری

می‌کنند و کسانی هم که عجله کنند هلاک خواهند شد؛ اما مسلمانان واقعی نجات خواهند یافت (۳). شعیب بن ابو حمزه از امام صادق علیه السلام پرسیده است که آیا شما صاحب این امر هستید؟ آن جناب فرمودند: خیر. سؤال می‌کنند: پس فرزند شماست؟ می‌فرماید: خیر.

عرض می‌کنند: پس چه کسی است؟ امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«آن کسی که زمین را از عدل پر می‌کند؛ همان طور که از جور و ستم پر شده باشد، او هنگامی خواهد آمد که کسی از امامان معصوم علیهم السلام نیست، همان طور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز پس از مدت‌ها که پیامبری نبود، مبعوث شد (۴)، (۵)»

ایستادن هنگام شنیدن صفت قائم برای امام زمان (عج) نیز، به معنای احترام به حضرت (عج) و آماده بودن برای قیام

امام زمان (عج) است و دست بر سر گذاشتن یعنی تسلیم امر و فرمان امام زمان بودن است. از امام صادق (ع) سؤال شد که چرا به هنگام شنیدن نام «قائم» لازم است برخیزیم؟ فرمود: برای آن حضرت غیبت طولانی است و این لقب یادآور دولت حق آن حضرت و ابراز تأسف بر غربت او است. لذا آن حضرت از شدت

محبت و مرحمتی که به دوستانش دارد، به هر کسی که حضرتش را با این لقب یاد کند، نگاه محبت آمیز می‌کند. از تجلیل و تعظیم آن حضرت است که هر بنده خاضعی در مقابل صاحب (عصر) خود، هنگامی که مولای بزرگوارش به سوی او بنگرد از جای برخیزد، پس باید برخیزد و تعجیل در امر فرج مولایش را از خداوند منان مسئلت

بنماید (۶). چنانچه امام رضا علیه السلام هنگام استماع قصیده دعبل وقتی به این بیت رسید:

خروج امام لامحاله خارج
يقوم علی اسم الله والبرکات

ظهور امام (عج) قطعی است که ظهورش با نام خداوند و همراه با خیر و برکات است.

دست بر سر نهادند و به عنوان احترام برخاستند و از خداوند متعال فرج حضرت ولی عصر (عج) را در خواست نمودند. (۷)
منابع:

- ۱- علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۶۰ / بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۸ / بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲۲۱.
- ۲- غیبت طوسی ص ۴۷۳ / بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۰.
- ۳- کمال الدین، ج ۲، ص ۲۷۸ / بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۰ و ۱۵۷.
- ۴- کافی، ج ۱، ص ۳۴۱ / بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۹ / غیبت نعمانی، ص ۱۸۶.
- ۵- نشانه هایی از مهدی (عج)، سعید احمدی، فصل ششم
- ۶- منتخب الاثر، لطف اله صافی گلپایگانی، ص ۶۴۰
- ۷- الغدیر، علامه امینی، ج ۲ ص ۳۶۱